روزنامه شرق

سه‌شنبه ۳۱خرداد ۱۳۹۰ ■ ۱۸رجب ۱۴۳۲ ■ ۲۱ ژوئن ۲۰۱۱ ■ سال هشتم ■ شماره پیاپی۱۲۷۵ ■ شماره ۳۵۱ دوره جدید ■ ۲۰صفحه

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵

توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن:۵-۶۶۱۸۲۱۳۰

چاپ: کاراپیام تلفن: ۴۴۹۸۳۹۶۹

www.sharghnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر۱۳:۰۶ اذان مغرب ۲۰:۴۵ اذان صبح فردا ۴:۰۲ طلوع آفتاب ۵:۴۹

حاصل همکاری بیضایی و درویشی در بازار

خبرآنلاین: مجموعه موسیقی فیلم‌های محمدرضا درویشی به زودی منتشر می‌شود و یکی از آلبوم‌های آن ویژه همکاری‌های این آهنگساز با بهرام بیضایی، کارگردان سینماست. این مجموعه موسیقی فیلم شامل پنج سی‌دی موسیقی به همراه کتابچه، عکس، توضیحات و شرح آثار خواهد بود. مجموعه یادشده دربرگیرنده اکثر موسیقی فیلم‌هایی است که محمدرضا درویشی طی عمر حرفه‌ای آهنگسازی‌اش برای سینما ساخته است.

تقویم تاریخ

به مناسبت ۲۱ ژوئن ۱۹۰۵ تولد ژان پل‌سارتر

انسان پا از «خود» فراتر نمی‌گذارد

محمد صادقی

■ از موضوع‌هایی که ژان پل‌سارتر و دیگر فیلسوفان اگزیستانسیالیست نسبت به آن حساسیت نشان داده‌اند «توده‌ای شدن فرد انسانی» است که در نوشته‌های آنها بسیار برجسته است و آن را نفی کرده‌اند و مصطفی ملکیان در درس گفتارهای خود آن را به خوبی تشریح کرده است (انسان از دیدگاه سارتر، پیش از هر چیز طرحی است که در درون‌گرایی خود می‌زید، پیش از هر چیز همان است که طرح تحقق و شدنش را افکنده است). آنها به این دلیل که این پدیده را در تقابل با بر وفق طبع عمل کردن و سدی در برابر زیستن بر اساس خواست فرد می‌پندارند، می‌گویند چنین زیستی، انسان را از زندگی‌ای که با طبع‌اش موافقت دارد، باز می‌دارد و چون در این بحث، دغدغه‌شان «بودن» و «چگونه بودن» فرد است، می‌بینیم که توده‌ای شدن فرد انسانی را «میان مایگی» می‌نامند. یعنی حالتی که خاصیت بودن «فرد» از دست‌رفته و رنگ می‌بازد. به عبارتی ساده‌تر با همرنگ شدن با جماعت مخالفت می‌ورزند. البته با وجودی که مشخص است، این امکان به طور کامل در توان انسان نیست، بیشتر این‌گونه می‌توان آن را فهم کرد که آنها به هیچ حد و اندازه‌ای رضایت نمی‌دهند. اگزیستانسیالیست‌ها بر این باورند که فرد باید مطابق با صرافت طبع خود رفتار کند و اینکه دیگران چه انتظاری از او دارند، نباید مبنای تصمیم‌گیری و عمل او شود، چون هر کس خود باید به زندگی‌اش «معنا» ببخشد. به تعبیری، انسان محکوم به آن است که در هر لحظه انسان را بیافریند. اما از اثرگذاری جامعه بر فرد هم نمی‌توان چشم پوشید، برای نمونه کسی که ادعا دارد اگر در رشته‌ای تحصیل کرده، به این خاطر بوده که خانواده یا دوستانش، وی را به این تصمیم واداشته‌اند و در غیر این صورت او رشته تحصیلی دیگری را بر می‌گزیده است، از کجا معلوم که قبل از آن تأثیر فردی مانند آموزگار دوران مدرسه‌اش، او را متمایل به تحصیل در رشته مورد نظر نکرده باشد؟ به طور کلی، انسان را تا چه اندازه با چنین نگرشی می‌توان از جامعه جدا کرد؟ مگر طبع انسانی نمی‌تواند نتیجه رسوب جامعه‌ای باشد که فرد در آن رشد یافته، بزرگ شده و زیسته است؟ برخی از خوش‌آمدن‌ها و بدآمدن‌ها می‌تواند از دوره کودکی در فرد شکل گرفته باشد. باز جایی که به دلیل حاکمیت باوری خاص در اجتماع، فرد بر خلاف آن رفتار می‌کند، همچنان «انتخاب» خودش را نمی‌تواند خالص تلقی کند، زیرا در این انتخاب دیگران هم سهم داشته‌اند. پس «من» خالص و انتخاب خاص «خود» را چندان هم ساده نمی‌توان تعریف‌پذیر کرد و جای چون و چرا در این‌باره باقی می‌ماند... در فنومنولوژی (پدیدارشناسی) حالات نفسانی انسان‌ها به فنومن‌ها (نمودها) تعلق می‌گیرد، نه به نومن‌ها (بودها)، یعنی نمود واقعیت‌ها نه به خود واقعیت‌ها. همه چیز بستگی به این دارد که چگونه به نظر انسان بیاید... اگر کانت می‌گفت، شناخت ما به ظاهر فنومن‌ها تعلق دارد، اگزیستانسیالیست‌ها می‌گویند، اراده ما هم به فنومن‌ها برمی‌گردد و این تعلق اراده به ظواهر را «درون ماندگاری» می‌خوانند، به این معنا که انسان پا از «خود» و از درون خود فراتر نمی‌گذارد.

تریبون آزاد

آقای کلاهداری، کلاهت را قاضی کن

نیما واعظی

■ جناب کلاهداری زمان اکران «پایان‌نامه» (به گفته خودتان جنجالی‌ترین فیلم جشنواره فجر)، طی عادت و بعد از مرور آگهی‌های فیلم‌های سینمایی ناگهان نگاهم به تیتر مصاحبه یکی از روزنامه‌ها با شما و «پایان‌نامه» افتاد. شاید اگر آن روزنامه جمله شما را تیتر خود نمی‌کرد، این یادداشت را هرگز نمی‌نوشتم. آن تیتر اینچنین بود: «اکران همزمان جدایی نادر از سیمین و اخراجی‌ها۳ باعث شد جیب تماشاچی خالی شود.» خودتان بهتر می‌دانید مخاطب خود می‌داند که کی، کجا و در چه موقع برای تماشای چه فیلمی از جیب خود هزینه کند. حالا اگر سالن‌های نمایش‌دهنده «پایان‌نامه» خالی یا بهتر بگویم خلوت است، مقصر نه این بنده‌خدا، اصغر فرهادی است و نه آن بنده‌خدا دهنمکی حتی پخش‌کننده این فیلم‌ها که به شکل همزمان «اخراجی‌ها۳» و «جدایی نادر از سیمین» را اکران کرد هم مقصر نیست. شما با مطرح کردن این جمله رعایت آنهایی که بهایی برای تماشای این دو فیلم پرداخت نکرده‌اند را نکرده‌اید چه برسد به آنهایی که برای حمایت، چندین‌بار به گیشه سینماها رفتند تا فیلم مورد علاقه خود را ببینند و از جیب خود هزینه کردند. اما ۲۵ خرداد یعنی همین چهارشنبه گذشته «ورود آقایان ممنوع» در سینماها اکران شد؛ البته با تعداد سینماهای کمتر- «پایان‌نامه» فیلم جایزه‌بده و نه جایزه‌بگیر به هر طریق ممکن اکرانش ادامه یافت ولی فروش «ورود آقایان ممنوع» پس از طی سه روز از گذشت اکرانش ۱۳۵ میلیون فروخت تا نسبت به فروش «اخراجی‌ها۳» و حتی «جدایی نادر از سیمین» هم بیشتر باشد. آقای کلاهداری، کلاهت را قاضی کن چراکه همین تماشاگرانی که تو از جیب خالی‌شان صحبت می‌کنی، اگر لازم شود از صندوق‌های قرض‌الحسنه درخواست وام می‌کنند تا برای تماشای فیلم دلخواه خود به سینماها بیایند. امسال به لطف خود همین تماشاگران و شاید بهتر بگویم جیب‌های تماشاگران برکت را با خود به سالن‌های سینما آورده‌اند. شاید گیشه سینماها مکان مناسبی است برای به نقد کشیدن سینماگران به امید روزهای خوب سینما با برکت جیب همین تماشاچی‌ها.

برداشت آخر

«آقای بازیگر» تمبر شد

فرزانه ابراهیم‌زاده

گروه تئاتر : «عزت‌الله انتظامی، عزت فرهنگ هنر ایران است نه به خاطر فیلم‌هایی که بازی کرده است، عزت دارد، به خاطر فیلم‌هایی که بازی نکرده است. عزت‌الله انتظامی عزت هنر ایران است نه به خاطر جاهایی که رفته است، عزت دارد به خاطر جاهایی که نرفته. بی‌تعارف، بی‌مبالغه و بی‌اغراق شما عزت سینما، تئاتر و فرهنگ ایران ما هستید به خاطر کارهایی که نکردید.»

اینها بخشی از سخنان کوتاه رخشان بنی‌اعتماد در مراسم تولد ۸۷ سالگی آقای بازیگر سینما و تئاتر ایران است. عزت سینمای ایران ۸۷ ساله شد؛ ۸۷ سالی که به قول حسین پاکدل ۶۵ سال آن صرف سربلندی هنر این سرزمین شد.

عزت‌الله انتظامی با همه نقش‌های به یادماندنی که بازی کرده، به قول رخشان بنی‌اعتماد آنهایی که بازی نکرد اعتبار سینما، تئاتر و در یک کلام هنر ایران ۸۷ ساله شد. هر چند خودش نمی‌دانست این سن واقعی او بوده یا نه. در مراسم تولد عزت‌الله انتظامی که به ابتکار شرکت موسیقی بتهوون و بنیاد رودکی و اداره پست ایران برپا شد از همه اقشار هنری آمدند و تولدش را تبریک گفتند. از استاد محمود فرشچیان گرفته که گفت و کنار تمبر نوشت: «الهی تا جهان باشد تو عزت در جهان باشی که موجب عزت هنر ایران هستی» تا رخشان بنی‌اعتماد که صحبت‌هایش خطاب به خود استاد بود که ماندنی‌ترین نقش فیلم روسری آبی را بازی کرده بود: «آقای عزت‌الله انتظامی».

سامان احتشامی، نماینده اهالی موسیقی بود که به حرمت حضور انتظامی و پسربزرگش مجید انتظامی قطعه «زندگی» خود را تقدیم به او کرد و گفت: «خیلی خوشحالم که برای شما می‌نوازم.»

اما حسین پاکدل از سوی تئاتری‌ها آمده بود تا ۸۷ سال تولد استاد انتظامی را تبریک بگوید. پاکدل که ۱۰ دقیقه برای گفتن از استاد قرار بود صحبت کند، گفت: «۶۵ سال فعالیت برای رسیدن به جایی که عزت هنر باشی چگونه است؟»

پاکدل گفت: «در زمانه‌ای که در یک شب می‌شود از یک چوب خشک یک بازیگر مشهور ساخت عزت‌دار ماندن کار سختی است و این راز عزت‌دار بودن انتظامی است.»

پاکدل با اشاره به اینکه تنها شهرت نبوده است که باعث عزت‌دار شدن انتظامی شده است، افزود: «در مورد عزت‌الله انتظامی این شهرت وبال گردنش است. چیزهایی هست که نباید فراموش کنیم که موضوع‌هایی دیگری هم هست.»

پاکدل که تاکید داشت، نمی‌خواهد تلخ بگوید، گفت: «می‌گویند ما گرسنه در کشور نداریم انشاءالله که این گونه باشد. اما گرسنه روح، گرسنه عزت و آبرو هم نداریم؟ خدا نکند آدم در اوج شهرت باشد و پول نداشته باشد برای نوه و نتیجه‌اش کادو بخرد. سال‌ها به انتظار زدن در خانه‌اش بماند. این عزت‌الله انتظامی است که وقتی هنرمندان مریض هستند و کسی به سراغ‌شان نمی‌رود، به سراغ‌شان می‌رود.»

حسین پاکدل با خواندن شعر مشهور مولانا که دی شیخ با چراغ گرد شهر همی‌گشت، گفت: «عزت‌الله انتظامی قبل از هنرمند بودن، انسان است. دردهای انسانی را دارد.» این هنرمند تئاتر در ادامه از حساب پس‌انداز آدم‌ها برای همدیگر گفت و از کارهایی که انتظامی برای هنرمندان می‌کند؛ از هر شنبه که به خانه تئاتر می‌رود و سه‌شنبه‌ها که به موزه سینما می‌رود، از تلاش‌اش برای کمک به دیگران و این هم از درد عزت بودن است.

پاکدل صحبت‌هایش را با این جمله حال ما خوب نیست و صورتمان را با سیلی سرخ می‌کنیم و با شعری از قیصر امین‌پور به پایان برد تا نخستین تمبر ایرانی که با تصویر یک هنرمند چاپ شده است توسط خود او رونمایی و باطل شود. عزت‌الله انتظامی بعد از برگزاری مراسم باطل کردن تمبر با تشکر از همه کسانی که به این مراسم آمده بودند، چه آنهایی که دعوت شده بودند چه آنهایی که بلیت خریده بودند، گفت: «گفتند دل و دین بر سر راهت کردم/ هرچیز که داشتم نثارت کردم

گفتا تو چه داری که کنی یا نکنی / این من بودم که بی‌قرارت کردم.

شماها من را بی‌قرار کردید، همین شماها که فیلم‌های من را دیدید و من را تشویق کردید. من دست تک‌تک شما را می‌بوسم.»

موسیقی اصلی این برنامه تکه‌هایی از آهنگ هزاردستان بود و همین دلیلی بود که عزت‌الله انتظامی بگوید ما رسم داریم تا زنده هستیم از هم تقدیر نکنیم. علی حاتمی که تا زنده بود ندیدیمش. حالا هم به جای تولدش در سالروز درگذشتش به یادش می‌افتیم. علی حاتمی نمرده است، روز تولدش را جشن بگیریم تا سالمرگش را.

آقای بازیگر سینما در ادامه به شیوه خودش از تولدش گفت و از اینکه هیچ وقت برایش تولد گرفته نشده است و خاطراتی از کودکی‌اش گفت و حرفش را قبل از بریدن کیک تولدش این‌گونه به پایان برد: آرزوی سلامت برای همه شما دارم. امیدوارم در آرامش باشید. کاش اینقدر بیرحم نبودیم و همدیگر را دوست داشته باشیم. خدا به ما رحم کند و آرامش برای کشورم و لب خندان برای هموطنانم آرزو می‌کنم.

کارتون خواب

جمال رحمتی

jamalrahmati@yahoo.com

پرسش از فرهنگ

رابطه نظام ارزشی و فرهنگ (بخش اول)

ناصر فکوهی

■ نظام ارزشی در هر جامعه‌ای به مجموعه‌ای از فرآیندهای رفتاری و ذهنی، الگوها و روش‌ها، شیوه‌های گفتاری و فنون بدنی اطلاق می‌شود که در چارچوب‌ها و موقعیت‌هایی از پیش تعریف شده، پذیرفته می‌شوند. این نظام بر اساس پهنه جغرافیایی و دوره زمانی و بر اساس گروه‌اجتماعی مورد استناد (مثلا یک خانواده، یک شهر، یک کشور و...) تغییر می‌کند. افزون بر این، نظام ارزشی لزوما در همه افراد آن گروه به صورت یکسانی درونی نشده و به صورت یکسانی به آن عمل نمی‌شود. به این ترتیب نظام ارزشی در هر جامعه، بیشتر یک پیوستار قابل انعطاف از رفتارها، اندیشه‌ها، واژگان و زبان است که کنشگران اجتماعی دایما روی آن در حرکت هستند و بر اساس استراتژی‌ها و راهبردهای آگاهانه و ناخودآگاهانه خود را در آن نسبت به خود و دیگران ارزیابی و قضاوت کرده و بر اساس این قضاوت و ارزیابی عمل می‌کنند. پرسش در این میان، آن است که فرهنگ به مثابه یک مجموعه ترکیبی از کل رفتارها و ذهنیات یک جامعه در چه رابطه‌ای با نظام ارزشی قرار می‌گیرد. پاسخ به این پرسش ساده نیست زیرا اصل محوری در هر جامعه‌ای برای آنکه بتواند به حیات خود ادامه دهد، آن است که یک نظام ارزشی واحد یا گروهی از نظام‌های ارزشی نزدیک به هم و محدود در آن امکان دهند افراد آن به انسجام رفتاری و ذهنی با یکدیگر رسیده و حرکات و اندیشه‌هایشان را برای یکدیگر خوانا و تفسیرپذیر کنند تا به این ترتیب مبادله میان آنها ممکن شده و بازتولید اجتماعی بتواند در آن انجام گیرد. برای آنکه این امر ممکن شود، جامعه باید به ناچار سازوکارهای پیچیده‌ای را در قالب الزام‌ها، تشویق‌ها، تنبیه‌ها، واکنش‌ها، مقاومت‌ها، راهبردها و... وارد عمل کند تا کنشگران به صورت مستقیم و غیرمستقیم به تبعیت از نظام ارزشی واداشته شوند و جامعه بتواند با کمترین هزینه خود را بازتولید کند.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

تلفنی آگهی می‌پذیرد.

۸۸۶۵۸۵۷۵

۸۸۵۲۸۴۵۳